



توراه اور • پاراشاها ویشב • مامار 2

והנה אנחנו מאלמים אלמים כו'

«و اینک، داشتیم دسته‌های غله را می‌بستیم»



تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/2

1 והנה אנחנו מאלמים אלמים כו'. כתיב אלה המלכים אשר מלכו כו' שהן ז' מלכין קדמאין דתהו שנפלו בשבחה"כ [בשבירת הכלים] למטה לשם ב"ן [שם ב"ן] דאצי' מקור דבי"ע ומשם ירדו בבי"ע וזהו ענין מיתת המלכים כידוע.

«و اینک، ما دسته‌ها را می‌بستیم...» و جز آن. نوشته شده است: «اینها پادشاهانی‌اند که فرمانروایی کردند...» و جز آن؛ مقصود، هفت پادشاه ازلی جهانِ آشوبِ آغازین (תהו, Tohu) است که در شکستنِ ظرف‌ها فرو افتادند تا به نام ب"ן (שם ב"ן, Ban) در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، سرچشمهٔ عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah)؛ و از آنجا به عالمِ آفرینش، عالم صورت‌بخشی و عالم عمل فرود آمدند. این همان موضوع «مرگ پادشاهان» است، چنان‌که معروف است.

2 והנה בשבחה"כ [בשבירת הכלים] נפלו כמה בחי' דהיינו הן בחי' נשמות והן בחי' מלאכים והן בחי' כחות אלקיים עצמם כולם נשברו ونפלו למטה בבי"ע והכחות אלקים נפילתן היינו שירדו להחיות בי"ע כו'.

اکنون، در شکستنِ ظرف‌ها، چندین مرتبه فروافتاد: یعنی مرتبهٔ ارواح، مرتبهٔ فرشتگان و خودِ قوای الهی. همهٔ آن‌ها شکستند و به عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah) فرود آمدند؛ و فروافتادنِ قوای الهی بدین معناست که آن‌ها فرود آمدند تا به عوالمِ آفرینش، صورت‌بخشی و عمل حیات ببخشند، و مانند آن.

وف'י וענין השבירה של הכלים ושל הנצוצות כו'. הוא ענין התפרדותן לחלקים רבים כמו עד"מ תיבת ברוך כשאותיות' [כשאותיותיה] מצורפות בתיבה זו מתלבש בהן השכלה שהוא ענין הברכה

توضیح و معنای شکستنِ ظرف‌ها و جرقه‌ها و مانند آن، این است که آن‌ها به اجزای بسیار از هم جدا شدند. به‌عنوان نمونه: واژهٔ «برוך» («مبارک»): هنگامی که حروفش در این واژه به هم پیوسته‌اند، ادراکی در آن‌ها جای می‌گیرد، یعنی مفهومِ برکت؛

אבל כשיתפרדו הד' אותיות אלו זמ"ז [זה מזה] להיות הבי"ת בפ"ע [בפני עצמו] וכן הרי"ש וכו' אזי לא ימצא בהן התלבשות השכלה זאת כלל.

اما هنگامی که این چهار حرف از یکدیگر جدا شوند، به‌گونه‌ای که حرفِ ב به‌تنهایی بماند، و همین‌طور حرفِ ָ و مانند آن، آن‌گاه این ادراکِ پوشیده‌شده به‌هیچ‌وجه در آن‌ها یافت نخواهد شد.

3 ועד"ז הוא שבה"כ [שבירת הכלים] דתהו שנתפרדו הכלים לחלקים רבים מפורדים זמ"ז [זה מזה] עד שנסתלק מהם האור שהי' [שהיה] מתלבש בתוכן קודם פירוד זה.

به همین ترتیب، شکستنِ ظرف‌های عالمِ آشوب (תהו, Tohu) چنین است: ظرف‌ها به قطعاتی بسیار تقسیم شدند که از یکدیگر جدا بودند، تا آن‌جا که نوری که پیش از این جدایی در آنها پوشیده بود، از آنها کناره گرفت.

ומצד זה ירדו במדרגה בבחי' בי"ע ונתהוו מזה עולמות הנפרדים ברואים רבים מינים ממינים שונים כמ"ש היש מספר כו'.

از این رو، در مرتبه فرود آمدند و به عالم آفرینش (ברیאה, Beriah)، عالم صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah) رسیدند؛ و از این، عوالم جدایی پدید آمدند: آفریدگان بسیار، گونه هایی از گونه های گوناگون، چنان که نوشته شده است: «آیا برای [سپاهیان او] شماری هست؟» و جز این.

4 והנה עצמות המאציל ב"ה הוא יחיד ומיוחד בתכלית היחוד כנודע

و اینک، ذات فیض بخش، که متبارک است، چنان که معروف است، در نهایت یگانگی یگانه و یکتاست.

ולזאת כדי שיתהוו בחי' הנבראים שהם בבחי' רבוי גדול ובבחי' פירוד שהם בחי' יש ودבר בפ"ע [בפני עצמו] **שזהו ממש המנגד אל אמתות אחדותו ב"ה שאין עוד מלבדו. הוצרך להיות ע"י שבה"כ** [שבירת הכלים]

از این رو، برای آن که آفریدگان پدید آیند – آفریدگانی که در مرتبه کثرت بسیار و جدایی قرار دارند، یعنی در مرتبه «چیزی» و موجودی به خودی خود، که درست در برابر حقیقت یگانگی او، که متبارک است، قرار دارد؛ یگانگی ای که بیانگر این است که «هیچ چیز جز او نیست» – لازم بود این امر از راه شکستن ظرف ها روی دهد:

שמחמת שנתפרדו לחלקים קטנים רבים מאד עי"ז נעשה בחי' הרבוי של הנבראים וגם ע"י פירוד זה נעשה כל נברא מהות בפ"ע [بفني עצمو] **שכל מלאך מובدل מחבירו כו'.**

زیرا چون به بخش های کوچک بی شماری از هم جدا شدند، از این راه کثرت آفریدگان پدید آمد؛ و نیز از رهگذر این جدایی، هر آفریده ای موجودی مستقل شد، به طوری که هر فرشته از فرشته دیگر متمایز است و مانند آن.

5 והנה כאשר ירדו הכלים והנצוצות מאת פניו ית' לפי גודל הירידה כך נעשה בהם הפירוד והרבוי.

اکنون، هنگامی که ظرف ها و جرقه ها از پیشگاه او که متبارک است فرود آمدند، جدایی و کثرتی که در آنها پدید آمد، متناسب با میزان فرود آمدنشان بود.

וכל שעדיין לא ירדו כ"כ [כל כך] **אזי לא הי' [היה] הפירוד כ"כ** [כל כך] **כי כל הקרוב קרוב יותר אליו ית' יש בו יותר הבטול והאחדות**

هر آنچه هنوز تا آن اندازه فرود نیامده بود، به همان اندازه دچار جدایی نبود؛ زیرا هرچه به او که متبارک است نزدیک تر باشد، خوندنی گری (ביטול, bittul) و یگانگی بیشتری در آن است؛

וכל שנתרחקו יותר אזי נעשה בהן יותר הפירוד והרבוז ונמצא כשנפלו למטה בעשייה נעשה הפירוד והרבוז ביותר.

و هرچه بیشتر دور شدند، جدایی و کثرت بیشتری در آنها پدید آمد. پس معلوم می‌شود هنگامی که به پایین، در عالم عمل (عשייה، Asiyah) افتادند، جدایی و کثرت از همه بیشتر شد.

6 וז"ש [וזהו שכתוב] ונהר יוצא מעדן להשקות את הגן ומשם יפרד כו'

این همان است که نوشته شده است: «و نهري از عدن بیرون می‌آید تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منشعب می‌شود» و الی آخر.

שהנהר הנמשך מעדן שהוא חכ' [חכמה] דאצילות בהיותה נמשכת והולכת דרך כל עולם האצ' עד הגן הוא בחי' מל' דאצילות הוא הכל נהר אחד עדיין מושלל מגדר ההתחלקות בתכלי' [בתכלית].

نهري که از عدن جاری می‌شود - و عدن همان حکمت (Chochmah, [Chochmah] عالم صدور (אצילות, Atzilus) است - هنگامی که امتداد می‌یابد و سراسر عالم اצילות را می‌پیماید تا به باغ برسد، و باغ مرتبه فرمانروایی (Malchus, [Malchus] عالم اצילות است، همچنان یک نهر واحد است و هنوز به کلی بیرون از مقوله تقسیم قرار دارد.

כי באצ' איהו וגרמוהי חד שהן בבחי' ביטול אמיתי למאצילן ומיוחדין עמו בתכלית היחוד שהוא הפוך הפירוד והרבוז כו'.

زیرا در اצילות، «او و ظرف‌هایش یکی‌اند» (ایهو וגרמוהי, ihu vegarmohi): آن‌ها در حالت خودنفی‌گری (ביטול, bittul) حقیقی در برابر مبدأ صدورشان‌اند و در نهایت یگانگی با او متحدند؛ یگانگی‌ای که نقطه مقابل جدایی و کثرت است، و مانند این.

7 וכיון שמגיע הנהר בראש הבריאה אזי כתיב ומשם יפרד והיה לד' ראשים. ואף שלא נתוסף בו מים עכ"ז [עם כל זה] נתפרד והיו לד' חלקים.

و چون رود به رأس عالم آفرینش (ברیאה, Beriah) می‌رسد، آن‌گاه نوشته شده است: «و از آنجا منشعب می‌شود و به چهار سر بدل می‌گردد». هرچند آبی به آن افزوده نشد، با این‌همه منشعب شد و به چهار بخش بدل گشت.

והן ד' מחנות שכינה פני אר' [אריה] אל הימין פני שור כו'. אך הם חלקים כוללים עדיין שכל חלק מהם כולל כמה פרטים רבים.

اینها چهار اردوگاه حضور الهی (שכינה, Shechinah) هستند: «چهره شیری در سمت راست، چهره گاوی...» و غیره. اما اینها هنوز بخش‌هایی کلی‌اند که هر یک از آنها جزئیات بسیار را دربرمی‌گیرد.

8 ובירידת המדרגה עוד נתחלק מבחי' מיכאל שהוא בחי' פני אריה לקפ"ו אלף בחינות מחולקות שהן מחנה מיכאל.

و با نزول بیشتر مرتبه، مرتبه میکائیل (میכال)، که جنبه روي شیر است، به ۱۸۶۰۰۰ جنبه جداگانه تقسیم شد؛ اینها لشکر میکائیل اند.

וכן מבחי' גבריאל שהוא בחי' פני שור נתחלק לחלקים רבים שהם כל פרטי המלאכים דמחנה גבריאל כו' וכ"ז [וכל זה] הוא עדיין בעולם הבריאה וביצירה מתחלק עוד לפרטים יותר שהן הרוחות דיצירה.

همچنین مرتبه جبرائیل (גבריאל)، که جنبه روي گاو است، به بخش‌های بسیاری تقسیم شد؛ این بخش‌ها همه فرشتگان جزئی لشکر جبرائیل اند و الی آخر. همه اینها هنوز در عالم آفرینش (بریا، Beriah) است؛ در عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah)، تقسیم‌بندی باز هم به جزئیات بیشتری می‌رسد، یعنی به ارواح (الرواح، rucho) یצירה.

وبعשיה מתחלק עוד לחלקים רבים ביותר שהם הנפשות דעשיה והכל הוא מבחי' שבה"כ [שבירת הכלים] שמתפררים בפירור אחר פירור ורבות אחר רבות כנ"ל.

و در عالم عمل (عשיה، Asiyah)، این تقسیم‌بندی باز هم به بیشترین شمار بخش‌ها می‌رسد؛ اینها جان‌های (النפשות، nefashos) عשיה هستند. همه اینها از شکستن ظرف‌ها سرچشمه می‌گیرد؛ ظرف‌ها پاره‌پاره می‌شوند، پاره‌ای پس از پاره دیگر، و کثرتی پس از کثرت دیگر، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

אך המלאכים הם אשר כבר נתקנו בבחי' עולם התקון וזהו הנק' ואשר משרתיו כולם עומדים כו'. ובחי' יוצר משרתי [משרתים] הם המתבררי' בכ"י [בכל יום] כו':

اما فرشتگان همان‌هایی هستند که پیش‌تر در مرتبه عالم اصلاح (عולם התקון، Olam HaTikkun) اصلاح شده‌اند؛ این همان چیزی است که «و خادمان او همگی ایستاده‌اند» و مانند آن نامیده می‌شود. و مرتبه «آن‌که خادمان را پدید می‌آورد» همان‌هایی هستند که هر روز پالوده می‌شوند و مانند آن.

9 והנה כמו שהוא במלאכים כך עד"ז נמצא בנשמות שע"י רבות ירידת המדרגות בהשתלשלות העולמות מתפררים לחלקים קטנים מאד ברבות אחר רבות כו'

اکنون، همان‌گونه که در مورد فرشتگان چنین است، درباره نفوس نیز همین‌طور است: آن‌ها بر اثر گذر از مراتب بسیار نزول در زنجیره نزول عوالم (השתלשלות، hishtalshelus)، به اجزایی بسیار خرد تقسیم می‌شوند؛ تکتري بر تکتري، و الی آخر.

כי ד' דגלי מדבר הם מספר שרשי הנשמות בעולם הבריאה ונשמת יהודה כוללת כל הנשמות שבמחנה יהודה

זیرא چهار پرچم بیابان، شمار ریشه‌های نفوس در عالم آفرینش (בריאה، Beriah) هستند؛ و نفیس یهودا (יהודה) همه نفوس اردوگاه یهودا را دربرمی‌گیرد،

ואח"כ נתחלק להרבה נשמות פרטיים שבדגל מחנה יהודה וכן בשאר הדגלים והשבטים עד שנעשו ס"ר בעולם הבריאה [הבריאה].

و پس از آن، به نفوس فردی بسیاری در پرچم اردوگاه یهودا تقسیم شد؛ و به همین‌سان در پرچم‌های دیگر و قبایل دیگر، تا آن‌که در بריאה به ششصد هزار رسیدند.

כי התורה מדברת הכל בעולם הבריאה אבל ביצירה נתרבו החלקים יותר במספר גדול הם בבחי' הרוח דיצירה.

זیرא תورات سراسر از عالم بריאה سخن می‌گوید؛ اما در عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah)، اجزا بیش از این تکتیر شدند و شمارشان بسیار شد؛ آن‌ها در مرتبه روح (Ruach) عالم یצירה هستند.

10 ובעשי [ובעשיה] המספר של הנפשות דעשייה הוא גדול יותר מכולן. אך הס"ר נשמות הם שכבר נתקנו ונתבררו משבה"כ [משבירת הכלים] ונכללו בעולם התקון.

و در عالم عمل (עשיה، Asiyah)، شمار نفوس (נפשות، nefashos) در عالم عمل از همه بیشتر است. اما آن ششصد هزار نفس، کسانی هستند که از شکستن ظرف‌ها اصلاح و پالایش شده و در عالم اصلاح (תיקון، Tikun) گنجانده شده‌اند.

וכמו שנמצא ענין השבירה שהוא בחי' הרבוי והפירוד בנשמות ומלאכי' כנ"ל כך ימצא בכחות האלקיים ממש שנתחלקו לחלקים רבים מאד ונתפזרו לבי"ע כו'

و همان‌گونه که شکستن، که جنبه‌ای از کثرت و جدایی است، در نفوس و فرشتگان یافت می‌شود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، در خود نیروهای الهی نیز یافت می‌شود: آن‌ها به اجزای بسیار فراوان تقسیم شدند و در عالم آفرینش (בריאה، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשיה) پراکنده گشتند و مانند این‌ها.

וכל מה שירדו יותר בירידת המדרגה נתרבה יותר הפירוד דהיינו שכל חלק וכל נצוץ נתחלק עוד לנצוצות וחלקים רבים ע"ד הנ"ל במלאכי' ונשמות

و هرچه آن‌ها بیشتر در مراتب فرود آمدند، جدایی بیشتر شد؛ یعنی هر جزء و هر جرقه باز هم به جرقه‌ها و اجزای بسیاری تقسیم شد، به همان شیوه‌ای که پیش‌تر درباره فرشتگان و نفوس توضیح داده شد.

כי הנה ידוע ע"פ ורוח אלקים מרחפת רפ"ח מת דהיינו רפ"ח נצוצין שנפלו מעולם התהו עם הכלים שנשברו.

זیرا چنان که معلوم است، بر پایه آیه «و روح אלקים (אלקים, Elokim) در حال شناوری بود» (מרחפת, merachefes)، واژه «مרחפת» [از حروف «رפ"ח מת» ساخته می‌شود]؛ یعنی ۲۸۸ جرقه‌ای که از عالم آشوب (תוהו, Tohu)، همراه با ظرف‌هایی که شکسته شدند، فرو افتادند.

11 ומספר רפ"ח הוא בחי' הפירוד של הנצוצין שנפלו כמו שהיו עדיין באצילות שזהו ראשית ירידתן שאז נתפרדו למספר רפ"ח וזהו רפ"ח מת כו'.

عدد ۲۸۸ بیانگر جدایی جرقه‌هایی است که سقوط کردند، در حالی که هنوز در عالم صدور (אצילות, Atzilus) بودند؛ این همان آغاز نزولشان است، زمانی که به عدد ۲۸۸ تقسیم شدند؛ و این است «۲۸۸ مردند»، و جز اینها.

אבל אח"כ כשנפלו מאצי' לעולם הבריאה אזי כל נצוץ מרפ"ח נצוצים הנ"ל שבאצי' נתחלק שם בבריאה לחלקים רבים מאד

اما پس از آن، هنگامی که از اצילות به عالم آفرینش (בריאה, Beriah) سقوط کردند، هر جرقه از آن ۲۸۸ جرقه یادشده در اצילות، در آنجا، در بריאה، به بخش‌های بسیار زیادی تقسیم شد.

וכשנפלו מבריאה ליצירה אזי נתחלקו עוד לחלקים ונצוצים קטנים וכן מיצי' [מיצירה] לעשיה נתחלקו ונתפרדו עוד ביותר לאלפים ורבבות.

و هنگامی که از بריאה به عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) سقوط کردند، باز هم به بخش‌ها و جرقه‌های کوچک تقسیم شدند؛ و به همین ترتیب، از یצירה به عالم عمل (עשיה, Asiyah) سقوط کردند و بیش از پیش تقسیم و پراکنده شدند، به هزاران و ده‌ها هزار.

12 ובזה יובן מה שנמשך הגלות כ"כ [כל כך] הרבה יותר מן י"ז מאות שנה וידוע שהכוונה הכל לברר הרפ"ח ניצוצים וכשיוגמרו הברורי' [הברורים] יבא משיח בב"א [במהרה בימינו אמן].

از این جا می‌توان فهمید که چرا دوران تبعید این قدر طولانی شده است؛ بسیار بیش از هزار و هفتصد سال. معلوم است که مقصود همه این جریان، پالایش ۲۸۸ شراره است؛ و چون پالایش‌ها به پایان برسند، **مשיח** (Moshiach) به‌زودی، در روزگار ما، خواهد آمد.

וא"כ הוא תמוה וכי אפשר שלא נתברר עדיין רפ"ח נצוצים במשך רב כזה אשר דור הולך ודור בא וכל א' מישראל מברר חלקו שצריך לברר

پس این پرسشی شگفت است: آیا ممکن است در چنین مدت درازی، ۲۸۸ شراره هنوز پالایش نشده باشند، درحالی که «نسلی می‌رود و نسلی می‌آید» و هر یک از یهودیان بخشی را که باید پالایش کند، پالایش می‌کند؟

ומה גם שמספרן של ישראל שצריכי' לברר הרפ"ח הם ס"ר כיוצאי מצרים והרי עתה ב"ה ישראל רבים יותר ממספר זה יוסף ה' עליהם כו'

به‌ویژه آن‌که شمار یهودیانی که باید ۲۸۸ شراره را پالایش کنند، ششصد هزار نفر است؛ همانند شمار کسانی که از مصر بیرون آمدند. اکنون نیز، به لطف ה'، شمار یهودیان از این تعداد بیشتر است: «باشد که ה' بر شمارشان بیفزاید»، و غیره؛

וכ"ש [וכל שכן] בזמן הקדמוני' שהי' [שהיה] נמצא כפרים שהיו בהם יותר מס"ר כמ"ש בגמ' [בגמרא] כפר שחליים כו'.

به طریق اولی در روزگاران کهن، که روستاهایی وجود داشتند که بیش از ششصد هزار تن در آن‌ها بودند، چنان‌که گمارا (גמרא) دربارهٔ روستای שְׁחָלַיִים و مانند آن می‌گوید.

אלא שהוא משום שלמטה בעשייה נתפרדו הניצוצי' לאלפים ורבבות אין מספר ומספר רפ"ח הוא באצי' ושם הם ג"כ מספר ס"ר נשמות כללי' שהם צריכים לברר רפ"ח חלקים גדולים הן הניצוצות שבאצי'.

اما [پاسخ این است که] در پایین، در عالم عمل (עשיה, Asiyah)، شراره‌ها به هزاران و ده‌ها هزار، بی‌شمار، پراکنده شدند. شمار ۲۸۸ در عالم صدور (אצילות, Atzilus) است؛ و در آن‌جا نیز شمارِ نفوسِ کلی ششصد هزار است که باید ۲۸۸ بخشِ بزرگ را پالایش کنند، یعنی شراره‌هایی را که در عالم صدورند.

וכמו שלמטה נתרבה מספר הנשמות כנ"ל כך נתברר מאד הניצוצים لאלפי אלפים חלקים קטנים ולכך נמשך הגלות שעדיין לא נשלם כל הבירורים כו' וכשיושלם הבירור יבא הגואל בב"א [במהרה בימינו אמן]:

و همان‌گونه که شمارِ نفوس در پایین افزوده شد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، شراره‌ها نیز بسیار فزونی یافتند و به هزاران‌هزار بخشِ کوچک تقسیم شدند. از همین رو دورانِ تبعید طول کشیده است، زیرا هنوز همهٔ پالایش‌ها به پایان نرسیده‌اند، و غیره؛ و چون پالایش کامل شود، رهایی‌بخش به‌زودی، در روزگار ما، خواهد آمد.

13 והנה כתי' [כתיב] מה רבו מעשיך ה' כלם בחכמה עשית פי' שבחי' הרבוי שנעשי' ע"י שבה"כ [שבירת

הכלים] הנ"ל בנבראי' [בנבראים] שבבי"ע

اکنون نوشته شده است: «چه بسیارند کارهای تو، ه'! همه را با حکمت آفریدی.» مقصود این است که کثرتی که بر اثر شکستن ظرفها، چنانکه پیشتر توضیح داده شد، در مخلوقاتِ عالمِ آفرینش (بریاها، Beriah)، عالمِ صورتبخشی (יצירה، Yetzirah) و عالمِ عمل (عשיها، Asiyah) پدید آمد.

ובפרט בעשי' [בעשיה] הרבוי והפירוד גדול יות' [יותר] שכל א' מובدل מחבירו ובבחי' יש ונפרד וזהו מה רבו מעשיך ה' כו'.

و به‌ویژه در عالمِ عשיها، کثرت و جدایی بیشتر است، زیرا هر یک از دیگری جداست و در مرتبهٔ יש (yesh؛ وجودی مستقل و جدا) قرار دارد. همین است معنای «چه بسیارند کارهای تو، ه'، و الی آخر».

14 وכולם בחכ' [בחכמה] عשית عשית הוא לי' [لشון] תיקון שע"י החכ' [החכמה] הם מתתקנים בבחי' עולם התיקון

«همهٔ آنها را به حکمت ساختی»: فعلِ «ساختی» (عشیت) در اینجا به معنای اصلاح کردن است: به‌واسطهٔ حکمت (חכמה، Chochmah)، آنها در مرتبهٔ عالمِ اصلاح (عולם התיקון، Olam HaTikkun) اصلاح می‌شوند.

דהיינו שע"י החכ' [החכמה] מגיע ونמשך בהם הביטול להיו' [להיות] בטלים ونכללים אליו ית' ולהיו' [ולהיות] מתחברין יחד ע"י' ולא יהיו מפורדים וזהו עבודת הישראל.

یعنی به‌واسطهٔ حکמה، خودنهی‌گری (ביטول، bittul) به آنها می‌رسد و در آنها جاری می‌شود، تا در برابر او خودنهی‌گر شوند و در او، که مبارک باد، مندرج گردند؛ و از این راه به یکدیگر بپیوندند و دیگر از هم جدا نباشند. و این است خدمتِ بنی‌اسرائیل.

15 וזאת תורת האדם לברר בירורין ולהעלותן מבחי' הפירוד לאחדות ה' וזהו אתה אחד ושםך אחד ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ.

«و این است تعلیم انسان»: پالودن آنچه باید پالوده شود و بالا بردن آن از جدایی به یگانگی ه'، و این همان است که می‌گوییم: «تو یگانه‌ای و نامت یگانه است، و کیست چون قوم تو اسرائیل، ملتی یگانه در زمین.»

פי' אתה היינו מהו"ע [מהות و עצמות] ית' שהוא יחיד ומיוחד ב"ה. ושםך הוא בחי' הזיו והאור המתפשט ממנו הנק' אא"ס [אור אין סוף] ב"ה הוא ג"כ אחד בתכלית.

معنا چنین است: «تو» ذاتِ مبارکِ اوست؛ او یگانه و یکتاست، مبارک باد. «نامت» درخشندگی و نوری است که از او گسترش می‌یابد و نور بی‌پایان (اُور اَین سُوف، Or Ein Sof) نامیده می‌شود؛ آن نیز در نهایت یگانگی است.

16 ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ דהיינו שהם עושים בחי' אחד אפי' [אפילו] בארץ שעם היות שבארץ

הוא הפירוד היותר גדול כנ"ל שעיקר הפירוד והרבוז הוא בעשיי' [בעשייה]

«و کیست مانند قوم تو، اسرائیل، ملتی واحد در سرزمین؟» یعنی آنان حتی در زمین [پایین] یگانگی پدید می‌آورند. زیرا هرچند در زمین [پایین] بیشترین جدایی وجود دارد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، چراکه جدایی و کثرت عمدتاً در عالم عمل (عשיه، Asiyah) است،

اعפ"כ [אף על פי כן] הישראל ע"י עבודתו ותורתו הם עושים שם ג"כ אחד שהם מעלים הנצוצים שנפלו

שם בשבה"כ [בשבירת הכלים] שיתעלו באחדות ה':

بااین‌همه، قوم یهود به‌واسطه خدمتشان به ה' و توراتشان، آنجا نیز یگانگی پدید می‌آورند؛ زیرا جرقه‌هایی را که در آنجا هنگام شکستن ظرف‌ها فرو افتادند، بالا می‌برند تا در یگانگی ה' ارتقا یابند.

17 וזהו והנה אנחנו מאלמים אלומים בתוך השדה. שזה הי' [היה] ג"כ עבודת השבטים ראובן ושמעון כו'

و این است: «و اینک، ما در میان مزرعه بافه می‌بستیم.» زیرا این نیز خدمت قبایل، روبن (راوبن) و שמعون (שמعون) و غیره بود؛

שהיו מבררים הנצוצין שנפלו בבחי' פירוד בשבה"כ [בשבירת הכלים] והיו מעלי' [מעליה] אותן בבחי' מ"ן

[מ"ן נוקבין] להתכלל במל' דאצי' ועי"ז היו מתחברים שם יחד והיו לאחדים שהרי נכללו באחדות ה'

בבחי' מדת מלכותו ית'.

آن‌ها شراره‌هایی را که هنگام شکستن ظرف‌ها به حالت جدایی افتاده بودند پالایش می‌کردند و آن‌ها را به صورت آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) بالا می‌بردند تا در فرمانروایی (מלכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus) گنجانده شوند. از این راه، آنجا به یکدیگر پیوستند و یکی شدند، زیرا در یگانگی ה'، در صفت فرمانروایی او، متبارک باد، گنجانده شدند.

18 וזהו פי' מאלמים אלומים. עד"מ כמו שקושרין העמרים שמקבצין כמה שבולים רבים מאד ומחברין

אותן וקושרין אותן באגודה אחת

و این است معنای «بستن خوشه‌ها». برای تقریب، مانند بستن دسته‌هاست: ساقه‌های بسیار زیادی را گرد می‌آورند، به هم می‌پیوندند و در یک دسته می‌بندند،

וזהו הנק' אלומה כידוע והרי מתחלה היו השבולים מפורדים זמ"ז [זה מזה] וע"י קשירה זו היו לאחדים.

و این همان چیزی است که، چنان‌که معروف است، «خوشه بسته» نامیده می‌شود. ساقه‌ها در آغاز از یکدیگر جدا بودند و به‌واسطه این بستن، یکی شدند.

כמו"כ [כמו כן] **ממש** הוא ענין הבירורים והעלאת הנצוצות הנ"ל כשמעלין אותן מטורי דפרודי להתכלל בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] באחדות ה' שנמצא נעשו ונכללו בבחי' אחד ממש ממה שהיו בתחלה בבחי' פירוד ורבוי כנ"ל.

דقیקاً همین‌گونه است ماجرای پالایش‌ها و بالا بردن جرقه‌های یادشده در بالا: هنگامی که آنها از «کوه‌های جدایی» بالا برده می‌شوند تا در مقام آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) در یگانگی ה' گنجانده شوند، در نتیجه، از حالتی که در آغاز در آن بودند – جدایی و کثرت – به‌راستی یکی شده و در مقام یکی گنجانده می‌شوند، چنان‌که در بالا توضیح داده شد.

19 **וזהו מאלמים אלומים היינו העלאת הנצוצות בבחי' מ"ן** [מ"ן נוקבין] **בתוך השדה הוא בחי' חקל תפוחין** **שהיא מל' דאצי' שלשם נכלל המ"ן** [המ"ן נוקבין] **כנודע.**

و این همان «بستنِ خوشه‌ها» است: یعنی بالا بردن جرقه‌ها به صورت م"ן (mayin nukvin [آب‌های مؤنث])، «در میان مزرعه»؛ و آن، مرتبة «مزرعة سیب‌ها»ست، یعنی فرمانروایی (מלכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، جایی که م"ן در آن مندرج می‌شود، چنان‌که معلوم است.

ועוד זאת מה שנק' העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] **בלשון מאלמים אלומים. מלשון אלם שאינו יכול לדבר.**
افزون بر این، علتِ آن‌که بالا بردن م"ן را با تعبیر «بستنِ خوشه‌ها» (מאלמים אלומים, me'almim alumim) می‌نامند، پیوند آن با واژه «لال» (אלם, illem) است؛ یعنی کسی که نمی‌تواند سخن بگوید.

הואיל וענין העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] **הוא בחי' בטול היש שנתבטל ממש להכלל בה' הרי אז הוא בבחי' אלם שאינו יכול לדבר ולהשפיע לזולתו שזהו בחי' יש.**

از آن‌جا که بالا بردن م"ן عبارت است از خودنفی‌گری (ביטול, bittul) ح"ס وجود مستقل خویش، به‌گونه‌ای که شخص حقیقتاً خود را نفی می‌کند تا در ه' مندرج شود، در آن هنگام در حالتِ لالی است که نه می‌تواند سخن بگوید و نه به دیگری ببخشد؛ [زیرا بخشیدن به دیگری] از ویژگی‌های موجودی است که چیزی از خود دارد.

וכיון שעיקר העלאה זו הוא בחי' הבטול ע"כ הוא הפוך ההשפעה ונק' אלם (וכענין אידי דטריד למיבלע כו' עמ"ש ע"פ התוספתא דבשלח) (ד' נ"א) בענין אגלידו میا כו'

و از آن‌جا که گوهرِ این بالا بردن، خودنفی‌گری است، پس درست در نقطهٔ مقابلِ بخشیدن [به دیگران] قرار دارد و «لال» نامیده می‌شود. (این مانندِ این قاعده است که «چون سرگرم فروبردن است، بیرون نمی‌دهد»، و جز این؛ بنگرید به آنچه دربارهٔ توسفتا (תוספתא, Tosefta) در בשלח (בשלח, Beshalach) توضیح داده شده است (ص. ۵۱)، دربارهٔ «آب‌ها منجمد شدند»، و جز این.

ועמ"ש בטעם שהמסעות היו מ"ב וסה"ע [וספירת העומר] **הוא מ"ט ימים כי בסה"ע** [בספירת העומר] **שהוא המסעות יש בכל מדה בחי' גילוי מל' דחסד כו' משא"כ במסעות העלאות הפוך הגילוי כו' ע"ש.**

همچنین بنگرید به آنچه دربارهٔ علتِ چهل و دو بودنِ سفرها، در برابرِ چهل و نه روز بودنِ شمارشِ عומר، توضیح داده شده است: زیرا در شمارشِ عומר، که عبارت از امتدادهای رو به پایین است، در هر صفت مرتبه‌ای از آشکارگی فرمانروایی مهر (חסد، Chesed) و جز آن وجود دارد؛ اما سفرها، برعکس، بالا رفتن‌ها هستند و در نقطهٔ مقابل آشکارگی قرار دارند، و جز این؛ بنگرید به آنجا.)

כי הנה הדבור שבאדם אינו צריך לו רק בשביל לדבר לזולתו אבל כשהוא בפ"ע [בפני עצמו] **א"צ** [این צריך / אינו צריך] **לדבר.**

زیرا سخن گفتن در انسان تنها برای سخن گفتن با دیگری لازم است؛ اما هنگامی که تنهاست، نیازی به سخن گفتن ندارد.

וכך יובן למעלה بنמצאים הרוחניים ענין בחי' הדבור שבהם (כמו שמצינו בגמ' [בגמרא] שתי רוחות מספרות כו') הוא בחי' כח ההשפעה לזולתו מעילה לעלול

و از این‌رو، دربارهٔ موجوداتِ روحانیِ عوالمِ بالا نیز می‌توان فهمید که مرتبهٔ سخن گفتن در آن‌ها (چنان‌که در گمارا (גמרא، Gemara) می‌یابیم: «دو روح با یکدیگر سخن می‌گفتند»، و جز این) همان نیرویِ بخشیدن به دیگری است، از علت به معلول.

וזהו כשהעילה הוא מהות בפ"ע [بفני עצמו] **از יכול להשפיע להעלול שלו**

و این هنگامی ممکن است که علت، موجودیتی مستقل برای خود باشد؛ در آن صورت می‌تواند به معلولِ خویش بیخشد.

אבל בהיותו דבוק בעילתו וטרוד לקבל שפע לעצמו אז הוא בבחי' בטול לעילתו ואין בו כח להשפיע לזולתו מצד עוצם ביטולו כו'.

اما هنگامی که به علتِ خویش پیوسته و سرگرم دریافتِ فیض برای خویش است، در آن هنگام در حالتِ خودنفری (ביטול، bittul) نسبت به علتِ خویش قرار دارد و به سببِ شدتِ **بیטול** خود، نیرویی برای افاضه به دیگری ندارد، و الی آخر.

20 ובחי' בטול זה שדבוק בעילתו הוא עד"מ העובר כשהוא בבטן אמו שאינו מהות בפ"ע [بفני עצמו] **רק אוכל ממנה שאמו אוכלת כו' אלא לאחר הלידה נעשה יש בפ"ע** [بفני עצמו] **עד שיכול אח"כ לדבר לזולתו כו'.**

و این خودنفری (ביטول، bittul)، یعنی چسبیده‌بودن به علتِ خویش، به‌طور تمثیلی مانند جنین در شکم مادر است: او موجودیتی مستقل نیست، بلکه «از آنچه مادرش می‌خورد می‌خورد» و الی آخر. تنها پس از تولد است که به موجودی مستقل بدل می‌شود، تا آنجا که بعدها می‌تواند با دیگری سخن بگوید و الی آخر.

21 ועד"ז יובן בענין הבירורי' [הבירורים / הבירורים] שעולים בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] ונכללים בבחי' עבור ביסוד

דנוק' [דנוקבא]

به همین ترتیب، دربارهٔ پالایش‌هایی که به صورت آب‌های مؤنت (מ"ן, mayin nukvin) بالا می‌روند و به‌سان جنین در بنیاد (יסוד, Yesod) بُعد مؤنت / فرمانروایی (نوکבא, Nukva) گنجانده می‌شوند، این مطلب فهمیده خواهد شد.

דהיינו שמתחלה היו בבחי' יש ודבר בפ"ע [בפני עצמו] והי' [והיה] יכול להשפיע לזולתו אבל כשנכלל

בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] שהוא בחי' בטול לאוא"ס [לאור אין סוף] ב"ה ודבוק בו בתכלית ה"ז [הרי זה] בחי'

עבור שאז אינו מהות בפ"ע [בפני עצמו] רק אוכל ממה שאמו אוכלת

یعنی در آغاز در مرتبهٔ «چیزی‌بودن» بودند و موجودیتی مستقل از خود داشتند و می‌توانستند به دیگری افاضه کنند؛ اما هنگامی که به صورت م"ן درمی‌آیند، که مرتبهٔ خودنهی‌گری (ביטול, bittul) در برابر نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، و پیوستگی کامل به اوست، این همان مرتبهٔ بارداری است؛ در آن هنگام دیگر موجودیتی مستقل از خود ندارند، بلکه تنها از آنچه مادرشان می‌خورد تغذیه می‌کنند.

ולפיכך נק' אז אלומים מלשון אלמים שאינו יכול לדבר ולהשפיע לזולתו מצד עוצם הביטול כמשל

העובר כו'

ازاین‌رو، در آن هنگام آن‌ها را «بافه‌ها» (אלומים, alumim) می‌نامند؛ این واژه از «لالان» (אלמים, illemim) گرفته شده است، زیرا به سبب شدت بیטול نمی‌توانند سخن بگویند و به دیگری افاضه کنند؛ چنان‌که در تمثیل جنین و مانند آن آمده است.

משא"כ קודם העלאה זו ועבור זה הי' [היה] בבחי' יש לדבר ולהשפיע כו' אלא שע"י העלאה זו נעשה

בחי' אלמים.

اما پیش از این بالا آمدن و این بارداری، در مرتبهٔ چیزی‌بودن بودند و می‌توانستند سخن بگویند و افاضه کنند و مانند آن؛ ولی به‌واسطهٔ این بالا آمدن، مرتبهٔ אלמים، یعنی لالان، را یافتند.

22 ועד"ז יובן שיש ג"כ עבור שני לאחר הלידה כמ"ש בע"ח [בעץ חיים] והיינו בשביל המשכת מוחין

דגדלות צריך לבא מתחלה בבחי' הבטול בתכלית וזהו העבור שני

به همین ترتیب روشن می‌شود که پس از تولد نیز آبستنی دومی وجود دارد، چنان‌که در اتمس حاییم (עץ חיים) آمده است. یعنی برای فرودآوردن قوای عقلانی بالغ (מוחין دגדלות, mochin degadlus)، انسان باید نخست به حالت خودنهی‌گری (ביטול, bittul) کامل درآید. این همان آبستنی دوم است:

דהיינו שלאחר שהיו לו מוחין והי' [והיה] יכול להשפיע לזולתו. עתה מתכלל בבחי' עבור בתכלית הבטול (ונעשה בחי' אלם כנ"ל) כדי שע"י בטול זה יומשך לו אח"כ מוחין דגדלות מא"ס ב"ה.

یعنی پس از آنکه او پیشتر قوای عقلانی داشت و می‌توانست به دیگری ببخشد، اکنون در حالت آبستنی دربرگرفته می‌شود و به خودنفی‌گری کامل فرو می‌رود (و همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد، لال می‌شود)، تا از طریق این خودنفی‌گری، پس از آن قوای عقلانی بالغ از بی‌نهایت مطلق (این سوف، Ein Sof)، که مبارک باد، به او فرود آورده شود.

והנה כ"ז [כל זה] הי' [היה] עבודת השבטי' [השבטים] שהן בעולם הבריאה (לבד מיוסף שהוא מאצי' כדלקמן אי"ה [אם ירצה השם]) והם מרכבה לבחי' מל' דאצי'

اکنون، همه این‌ها خدمت قبایل بود که در عالم آفرینش (بریا، Beriah) هستند (به‌جز یوسف (یوسف)، که از عالم صدور (اصیلول، Atzilus) است، چنان‌که به خواست ه' در ادامه توضیح داده خواهد شد؛ و آنان ارابه‌ای برای فرمانروایی (ملכות، Malchus) عالم صدور هستند.

وهוא כענין י"ב בקר שהיו בים של שלמה שהן י"ב בחי' שבראש הבריאה והים עומד עליהם הוא בחי' מל' דאצי'.

این مانند دوازده گاو است که زیر دریای شلومو (שלמה) بودند: آن‌ها دوازده مرتبه در رأس عالم آفرینش‌اند، و دریا که بر آن‌ها قرار دارد، مرتبه فرمانروایی عالم صدور است.

ול זאת עיקר עבודתם והעלאת מ"ן [میין نوکبین] מהבیرורים שביררו בב"ע היה מגיע עד המל' דאצי' ולשם הי' [היה] נכלל בבחי' מ"ן [میין نوکبین].

ازاین‌رو، اصل خدمت آنان و بالا بردن مین نوکبین (م"ן، mayin nukvin؛ آب‌های مؤنث از پایین) از پالایش‌هایی که در عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل انجام داده بودند، تا فرمانروایی عالم صدور می‌رسید و در آنجا به صورت مین نوکبین دربرگرفته می‌شد.

23 וזהו מאלמים אלומים בתוך השדה כנ"ל. אמנם ידוע שהמ"ן [שהمیין نوکبین] אע"פ [אף על פי] שכבר נכלל

בבחי' מל' עדיין הוא צריך בירור שני ע"י המ"ד [הمیין دوکبین].

و این همان «بستن بافه‌ها در میان مزرعه» است، چنان‌که پیشتر توضیح داده شد. بااین‌حال، معلوم است که آب‌های مؤنث (م"ן، mayin nukvin [برانگیختگی از پایین])، با آن‌که پیشتر در مرتبه فرمانروایی (ملכות، Malchus) گنجانده شده‌اند، هنوز به پالایش دومی به واسطه آب‌های مذکر (م"د، mayin duchrin [جریان فیض از بالا]) نیاز دارند.

והוא שנמשך מ"ד [מ"ד דוכרין] **דז"א לברר המ"ן** [המ"ן נוקבין] **דנוק'** [דנוקבא] **וזהו ענין יחוד זו"נ** [זעיר אנפין ונוקבא].

یعنی، آب‌های مذکر صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין، Z'eir Anpin) فرود آورده می‌شوند تا آب‌های مؤنث بُعد مؤنث / فرمانروایی (نوکבא، Nukva) را پالایش کنند؛ و این همان پیوند Z'eir Anpin و Nukva است.

והענין כי אע"פ [אף על פי] **שנתבררו הנצוצות ונכללו בבחי' מ"ן** [מ"ן נוקבין] **שהוא בחי' בטול לאלקות** **כנ"ל עכ"ז** [עם כל זה] **א"א להם להתייחד ממש באלקותו ית' (כמו שהיו קודם שבה"כ** [שבירת הכלים] **שהיו** **בחי' אלקות ממש מ"ס** [מ"ס ספירות] **דתהו) עד שיומשך עליהם גילוי שם מ"ה** [שם מ"ה] **דאצי' ועי"ז** **יתבררו בירור שני והוא העיקר.**

توضیح آن‌که، هرچند جرقه‌ها پالایش شده و به صورت آب‌های مؤنث گنجانده شده‌اند، و این همان خودنفی‌گری (ביטול، bittul) در برابر الوهیت است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، با این‌همه، تا زمانی که تجلی نام م"ה (Mah) از عالم صدور بر آن‌ها فرود نیاید، نمی‌توانند حقیقتاً با الوهیت او یکی شوند – چنان‌که پیش از شکستن ظرف‌ها بودند، هنگامی که حقیقتاً الوهیت و از ده مرتبه تجلی (سפירות، Sefiros) عالم آشفستگی (תהו، Tohu) بودند. به واسطه فرود آمدن این تجلی بر آن‌ها، پالایش دومی می‌یابند؛ و این پالایش، پالایش اصلی است.

יען בחכ' [בחכמה] דוקא אתברירו שהוא בחינת המ"ד [המ"ד دוכרין] **כי הבירור הראשון הי' [היה] רק שיהי'** **[שיהיה] בהם בחי' בטול היש**

زیرا پالایش آن‌ها مشخصاً به واسطه حکمت (חכמה، Chochmah) انجام می‌شود، که مرتبه آب‌های مذکر است؛ زیرا پالایش نخست فقط این بود که در آن‌ها خودنفی‌گری احساس «چیزی بودن» پدید آید،

וזהו רחוק עדיין מאלהות מאד דאיהו וגرمוהי חד שהם בבחי' בטול אמיתי אלא ע"י שנמשך בהן בחי' מ"ד [מ"ד دוכרין] **שהוא הארת שם מ"ה** [שם מ"ה] **לבררם אז נכללו בבטול אמיתי באלקו'.**

و این هنوز از الوهیتی که در آن «او و ظرف‌هایش (ایهو וגرموהי، ihu vegarmohi) یکی‌اند» و در خودنفی‌گری حقیقی هستند، بسیار دور است؛ تنها هنگامی که آب‌های مذکر، یعنی تجلی نام Mah، در آن‌ها فرود آورده شوند تا پالایششان کنند، در خودنفی‌گری حقیقی در الوهیت گنجانده می‌شوند.

24 וכמשל באדם שמברר בירורים ע"י שאוכל ושותה ואח"כ מתפלל באהוי"ר [באהבה ויראה] ע"י כח זה

שאכל ושותה שנמצא נכללו החיות של המאכלים והמשקים שנפלו בשבה"כ [בשבירת הכלים] בבחי' **האוי"ר** [האהבה ויראה] **שלו**

این همانند کسی است که با خوردن و نوشیدن به پالایش می‌پردازد و سپس با نیرویی که از خوردن و نوشیدن به دست آورده است، با عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) دعا می‌کند؛ در نتیجه، نیروی حیات (חיות, chayus) که در خوراک و نوشیدنی نهفته است و در شکستن ظروف فروافتاده بود، در عشق و هیبت او گنجانده می‌شود.

ועכ"ז [وعم כל זה] **הוא עדיין רחוק ממהו' אחד האמת אלא כשע"י העלאת מ"ן** [מיין נוקבין] **דאוי"ר** [דאהבה ויראה] **שלו נמשכו לו דו"ר** [דחילו ורחימו] **מלמעלה מאת ה' שתפול עליו אימה כו' אז יוכלו באוי"ר** [באהבה ויראה] **זו שנמשכי' / שנמשכים / שנמשכין]** **מלמעלה מבחי' אלקות ממש ועד"ז הוא בירור שני דמ"ד** [דמיין דוכרין].

بااین‌همه، این هنوز از ذاتِ یگانه حقیقی بسیار دور است؛ تا آن‌گاه که از راهِ بالا بردنِ آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) **אהבה وיראה**ی خود، عشق و هیبتی از بالا، از ה'، به سوی او فرود آید، تا «هیبت بر او فروافتد» و غیره. آن‌گاه در این **אהבה وיראה**، که از بالا و از خود الوهیت فرود آمده است، گنجانده می‌شوند. پالایش دوم آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) نیز به همین ترتیب است.

25 **ואפי' [وآפילו] ר"ע [רבי עקיבא] שיצתה נשמתו באחד עכ"ז [עם כל זה] הרי מס"נ [מסירות נפש] של הנברא רחוק**

עדיין מאלקות אלא שנמשך עליו הארה מבחי' אחד האמת ואז נכלל מס"נ [מסירות نפש] שלו בבחי' אחד ממש.

حتی در موردِ ربی عقیوا (רבי עקיבא)، که جانِش با «یکی» از تن جدا شد، بااین‌همه فداکاری تا پای جان (מסירות נפש, mesirus nefesh) یک مخلوق هنوز از الوهیت دور است؛ جز آنکه پرتویی از مرتبهٔ یگانه حقیقی بر او افافه شد، و آن‌گاه فداکاری او در مرتبهٔ یگانگی واقعی گنجانده شد.

וזهو ענין למהוי אב"א [אחד באחד] שבחי' א' דיחו"ת [דיחודא תתאה] בטול היש נכלל ביחו"ע [ביחודא עילאה] בטול אמיתי כו'.

این معنایِ «یکی با آن یگانه بودن» است: «یکی» در یگانگی فروتر (יחודא תתאה, yichuda tata'ah)—خودنهی‌گری (ביטול, bittul) احساسِ موجودیتی مستقل—در یگانگی برتر (יחודא עילאה, yichuda ila'ah)، یعنی **بیטול** حقیقی، گنجانده می‌شود و مانند آن.

26 ובחי' מ"ד [מיין דוכרין] זה הנמשך לברר המ"ן [המיין נוקבין] דנוק' [דנוקבא] זהו מדרגת יוסף הצדיק שהוא

בח' ונהר יצא מעדן להשקות את הגן שהגן הוא בח' מל' ועד שם נמשך בח' נהר הנביעה מאא"ס

[מאור אין סוף] ב"ה

و این مرتبه از آبهای مذکر (מ"ד, mayin duchrin)، که برای پالایش آبهای مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) بعد مؤنث / فرمانروایی (نوֹקבא, Nukva) به پایین کشیده می‌شود، مرتبه یوسف (יוסף) صالح (צדיק, tzaddik) است؛ او مرتبه «و نهري از عدن بیرون آمد تا باغ را آبیاری کند» است. باغ، مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus) است، و رود جاری از نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، تا همان‌جا امتداد می‌یابد؛

והוא בח' הארת הקו"ח [הקו וחוט] ושם מסתיים ואינו נמשך בב"ע לכך הם עלמא דפרודא ומשם יפרד כו'.

آن، پرتو خط نور (קו, kav) و رشته (חוט, chut) است؛ و همان‌جا پایان می‌یابد و به عالم آفرینش (ברیאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah) کشیده نمی‌شود. از این‌رو آن‌ها عالمی از جدایی‌اند، و «از آنجا جدا می‌شود» و جز این‌ها.

אלא שיוסף הוא צדיק שמקשר וממשיך הארת אא"ס [אור אין סוף] בב"ע והיינו ע"י שהנבראים נכללים בבחי' מ"ן [מיין נוקבין] בהמל' דאצי' כנ"ל ויוסף ממשיך הארת אא"ס [אור אין סוף] ב"ה במל' לברר את המ"ן [המיין נוקבין] בירור שני שיהיו נכללים באלקותו ממש כנ"ל

اما یوسف، که צדיק است، پرتو نور بی‌پایان را به عالم آفرینش، عالم صورت‌بخشی و عالم عمل پیوند می‌دهد و به آن‌ها فرومی‌کشانند. یعنی، آفریدگان، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، به صورت م"ן در فرمانروایی عالم صدور گنجانده می‌شوند؛ و یوسف پرتو نور بی‌پایان را به فرمانروایی فرومی‌کشانند تا آبهای مؤنث را با پالایش دوم پالایش کند، تا واقعاً در الوهیت او مندرج شوند، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

והארה זו היא בח' הארת הקו וחוט דאא"ס [דאור אין סוף] וזהו בח' ונהר יצא להשקות כו' כנ"ל.

این پرتو، پرتو خط و رشته نور بی‌پایان است، و این همان مرتبه «و نهري بیرون آمد تا آبیاری کند...» است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

27 **ונמצא מדרגת הבירור דיוסף הוא למעלה מעלה מהבירור של השבטים שבירור של השבטים הוא**

שמעלים מ"ן [מיין נוקבין] **במלי דאצי' ועדיין לא נהפך לאלהות ממש עד שיוסף ממשיך המ"ד** [המיין דוכרין]

پس مرتبة پالایش یوسف (یوسف) بسیار فراتر از پالایش اسباط است؛ زیرا پالایش اسباط این است که آبهای مؤنث (מים نוקבין, mayin nukvin) را به فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) بالا می‌برند، و آن هنوز به الوهیت واقعی دگرگون نشده است تا آن‌که یوسف آبهای مذکر (מים دکورין, mayin duchrin) را به پایین بکشد،

שהוא הארת אא"ס [אור אין סוף] **שמלובש בחכמה שזהו ונהר יצא מעדן כו' ובחכמה אתברירו בירור ב'**

ואזי נכלל המ"ן [המיין נוקבין] **באלקות ממש שהיא התכללות יחו"ת** [יחודא תתאה] **ביחו"ע** [ביחודא עילאה] **כנ"ל**.

که همان تابش نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) است که در حکمت (חכמה, Chochmah) پوشیده شده؛ این همان «و نهی از عدن بیرون آمد...» است. «به واسطه حکمت پالایش می‌شوند»؛ این پالایش دوم است، و آن‌گاه آبهای مؤنث در الوهیت واقعی گنجانده می‌شوند؛ این همان گنجانده شدن یگانگی فروتر (יחודא תתאה, yichuda tata'ah) در یگانگی برتر (יחודא עילאה, yichuda ila'ah) است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

28 **והיינו מ"ש והנה אנחנו מאלמים אלומים בתוך השדה שהוא הבירורים מבי"ע להעלותן בבחי' מ"ן** [מיין

نوکبין] **بملي كن"ל**.

این همان چیزی است که نوشته شده است: «و اینک، ما در میان مزرعه دسته‌ها را می‌بستیم»؛ اینها پالایش‌هایی هستند از عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل، تا آنها را به صورت آبهای مؤنث (م"ן, mayin nukvin) به فرمانروایی (ملכות, Malchus) بالا برند، چنان‌که در بالا توضیح داده شد.

ویوسف עצמו بیرر بیرر זה הראשון ג"כ אף ששרשו משם מ"ה [שם מ"ה] **דאצי' שהוא בחי' המ"ד** [המיין

דוכרין] **אעפ"כ** [אף על פי כן] **מאחר שנתלבש למטה בגוף היה צריך לברר بیرر זה התחתון ג"כ כשאר**

אחיו

و یوسف (یوسف) نیز خود این نخستین پالایش را انجام داد؛ هرچند ریشه‌اش از نام م"ה (Mah) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) است، که مرتبة آبهای مذکر (م"ד, mayin duchrin) است، با این حال، چون در پایین در کالبدی جسمانی جای گرفت، او نیز مانند دیگر برادرانش باید این پالایش فرودین را انجام می‌داد.

וזהו והנה אנחנו מאלמים כו' שכולנו שוים בזה להעלות מ"ן [מיין نוקبין] **בملي**.

و این معنای «و اینک، ما دسته‌ها را می‌بستیم»، و مانند آن، است: در این کار، همگی در بالا بردن م"ן به ملכות برابرند.

אלא שלאחר בירור זה והנה קמה אלומתי כו' שנמצא בו מעלה יתירה מצד שרשו בשם מ"ה [שם מ"ה] דאצי' שע"ז מדרגתו הוא להוריד מ"ד [מ"ד דוכרין] לברר בירור שני את המ"ן [המ"ן נוקבין] שכבר העלו במל'.

اما پس از این پالایش، «و اینک، دستۀ من برخاست»، و مانند آن؛ زیرا او به سبب ریشه‌اش در نام م"ה در اצילות برتری بیشتری دارد، و از این رو مرتبه‌اش این است که م"ד را فرود آورد و با پالایشی دوم، م"ן‌هایی را که آنان پیش‌تر به ملכות بالا برده بودند، پالایش کند.

29 ובירור זה אין בכח שאר השבטים שהן בבריאה כו' שלמטה מטה מאצי'. וזהו תשובנה אלומותיכם ותשתחווין לאלומתי בבחי' בטול ממש

و این پالایش در توان دیگر قبایل نیست؛ آنان در عالم آفرینش (Beriah, بریאה) و مانند آن‌اند و بسیار پایین‌تر از عالم صدور (Atzilus, اצילות) قرار دارند. و این است معنای «دسته‌های شما گرداگرد دستۀ من آمدند و در برابر دستۀ من سر فرود آوردند»: به نحو خودنهی‌گری (bittul, بیטול) واقعی.

כי בלעדי המ"ד [המ"ן دוכרין] دیوسף לא נכלל המ"ן [המ"ן נוקבין] שלהם באלקות ממש רק שע"י המ"ד [המ"ן دוכרין] دیوسף שמבררם בירור ב' شیוכללו בביטול امיתי דמ"ה [דשם מ"ה]

زیرا بدون آب‌های مذکر (mayin duchrin, م"ן دוכرין) یوسف، آب‌های مؤنث (mayin nukvin, م"ן نוקبין) آنان در الوهیت واقعی داخل نمی‌شد؛ تنها از طریق آب‌های مذکر یوسف، که آنان را با پالایش دوم پالایش می‌کند تا در خودنهی‌گری حقیقی نام م"ה (Mah) داخل شوند،

وזהו ותשתחווין כו' ואז הוא שנכללו באלקות כנ"ל (ועמ"ש בענין ב' בירורים אלו ע"פ ואלה שמות):

و این است معنای «و سر فرود آوردند» و مانند آن: آن‌گاه بود که، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، در الوهیت داخل شدند. (و بنگرید به آنچه درباره‌ی این دو پالایش بر آیه «و اینها نام‌ها هستند» توضیح داده شده است.)

30 והנה להבין ביאור ענין ותשתחווין לאלומתי. גם ענין החלום השני השמש והירח כו' משתחווים לי שהדברים מגיעים ליעקב וכמ"ש ואביו שמר כו'.

اکنون، برای فهم توضیح «و آنان در برابر دستۀ من سجده کردند»، و نیز موضوع خواب دوم، «خورشید و ماه ... در برابر من سجده می‌کنند»، زیرا این سخن به یعقوب (יעקب) مربوط می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و پدرش [این مطلب را] در خاطر نگاه داشت»، و جز این؛

איך יתכן שיעקב שהוא למעלה במדרגה מיוסף כי הוא בחי' גוף ויוסף בחי' ברית ואע"ג [ואף על גב] דגוף וברית כחדא מ"מ הוא גבוה כו' א"כ איך ישתחוה ליוסף וזה תמוה.

چگونه ممکن است یعقوب، که از نظر مرتبه از یوسف (یوسف) بالاتر است - زیرا او مرتبه بدن [زیبایی و هماهنگی (تفاهت, Tiferes)] است و یوسف مرتبه عهد [بنیاد (یسود, Yesod)] - و با آنکه «بدن و عهد یکی به شمار می‌آیند»، با این همه او بالاتر است و ...؛ پس چگونه در برابر یوسف سجده می‌کند؟ این مسئله شگفت‌آور است.

אך הענין כי השתחוואה כוללת ב' בחי'. הא' בחי' בטול שבטל ומשתחוה כו' כמו וצבא השמים לך משתחווים שהם מתבטלים כו'. הב' הוא ענין המשכה שמרכין ראשו וממשיכו למטה.

اما حقیقت این است که سجده دو جنبه را دربرمی‌گیرد. نخست، جنبه خودنهی‌گری (بیטול, bittul) است: شخص به حالت خودنهی‌گری درمی‌آید و سجده می‌کند و ...؛ مانند «و سپاه آسمان در برابر تو سجده می‌کنند»، زیرا آنان در برابر تو به حالت خودنهی‌گری درمی‌آیند و ... جنبه دوم، فرودآوردن است: شخص سرش را خم می‌کند و [آن را] به پایین می‌کشد.

31 ובאמת הא בהא תליא שע"י הבטול גורם ההמשכה כו'. וכן ידוע ג"כ מהשתחוואה שבש"ע [שבשמונה

עשרה] באמרו בא"י [ברוך אתה ה'] שהוא בחי' בטול וגם המשכה ע"י שמרכין ראשו וממשיך מבחי' ברוך בבחי' אתה כמבואר בפע"ח [בפרי עץ חיים].

و در حقیقت، یکی به دیگری وابسته است؛ زیرا انسان از راه خودنهی‌گری (بیטול, bittul) سبب فرودآمدن نور می‌شود و غیره. این نکته از خم شدن در نماز شמונה عשרה (Shemoneh Esreh) نیز شناخته شده است؛ آن‌گاه که می‌گوید: «مبارک هستی، نام چهارحرفی (ה', Havayah)»: این کار هم خودنهی‌گری است و هم فرودآوردن نور؛ زیرا انسان سر خود را خم می‌کند و نور را از مرتبه «مبارک» به مرتبه «تو» فرود می‌آورد، چنان‌که در پری عتس چاییم (פרי עץ חיים) توضیح داده شده است.

32 ועד"ז יובן ענין ותשתחווין لאלומתי. כי הנה השבטים כשהעלו מ"ן [מ"ן נוקבין] במלכות וצריכים לעורר

המשכת מ"ד [מ"ן דוכרין] דאצילות שע"ז עיקר הבירור.

به همین ترتیب، معنای «و آنان در برابر خوشه من سجده کردند» روشن می‌شود. زیرا هنگامی که قبایل م"ן (mayin nukvin) [آب‌های مؤنث] را به فرمانروایی (ملכות, Malchus) بالا بردند، می‌بایست جریان م"ד (mayin duchrin) [آب‌های مذکر] را از عالم صدور (אצילות, Atzilus) برانگیزند؛ زیرا تصفیه اصلی از همین راه صورت می‌گیرد.

ובאמת אין המ"ד [המ"ד דוכרין] **נמשך אלא לאחר שיש העלאת מ"ן** [מ"ן נוקבין] **כי לית ברכתא שריא באתר ריקניא רק כשיש כלי אז שורה האור והמ"ן** [והמ"ן נוקבין] **הוא כלי להמ"ד** [להמ"ן דוכרין].

در حقیقت، م"ד تنها پس از بالا بردن م"ן به پایین کشیده می‌شود، زیرا «برکت در جای خالی قرار نمی‌گیرد»: نور تنها هنگامی قرار می‌گیرد که ظرفی وجود داشته باشد، و م"ן ظرف م"د است.

لכן כדי לעורר המשכת מ"ד [מ"ד דוכרין] **דיוסף היה צ"ל תחלה העלאת מ"ן** [מ"ן נוקבין] **דהשבים בבחינת בטול לעורר המשכה זו. גם יובן זה ממשל גשמי בזיוג זכר ונקבה שאין קישוי אלא לדעת.**

بنابراین، برای برانگیختن جریان م"د يوسف (یوسف)، نخست می‌بایست م"ן قبایل در مرتبه خودنهی‌گری (ביטול, bittul) بالا برده می‌شد تا این جریان برانگیخته شود. این مطلب را همچنین می‌توان از تمثیلی جسمانی فهمید: در پیوند مرد و زن، «برانگیختگی جز با قصد و آگاهی نیست».

33 וכשהנקבה עורכת שולחנה אז נתעורר תאות הזכר כו'. וזהו והנה תסובינה אלומותיכם שעשו הכלי והעלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] **ותשתחוין לאלומתי.**

و هنگامی که زن سفره‌اش را می‌گستراند، آنگاه میل مرد برانگیخته می‌شود، و غیره. و این است معنای «و اینک، خوشه‌های شما گرداگرد خوشه من چرخیدند»، زیرا آنان ظرف را پدید آوردند و آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) را بالا بردند، و «در برابر خوشه من سر فرود آوردند».

ובהשתחואה זו עשו ב' בחי' א' הבטול שלהם לאור א"ס הב' שעיי"ז עשו ג"כ ההמשכה שיومשך המ"ד [המ"ן דוכרין]

و آنان با این سر فرود آوردن دو کار کردند: نخست، خودنهی‌گری (ביטול, bittul) در برابر نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)؛ دوم، از این راه فرود آوردن را نیز به انجام رساندند، تا آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) فرود آورده شود،

דהיינו שיومשך הארת הא"ס בבחי' יוסף והמשכה זו שעשו הם היינו שיومשך בחי' האו"פ [האור פנימי] **ביוסף. ואמנם השתחואה دיעקב היה רק ענין המשכה לבדה שהמשיך בחי' המקיף ליוסף כו'.**

یعنی تابش بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof) به مرتبه یوسف فرود آورده شود؛ و این فرود آوردنی که آنان پدید آوردند، عبارت بود از آن‌که نور درونی (או"פ, or pnimi) به یوسف فرود آورده شود. اما سر فرود آوردن یعقوب (יעקב) تنها کارکرد فرود آوردن را داشت، زیرا او [نور] فراگیر (מקיף, makif) را به یوسف فرود آورد، و غیره.

34 והנה סבת שנאת השבים ליוסף על חלומותיו כו' הוא לפי שהם טעו בדבר א'.

اکنون، علت نفرت قبایل از یوسف (یوسف) به سبب خواب‌های او و غیره، این است که در نکته‌ای دچار اشتباه شدند.

בהיות כי ידוע בענין ששם עלו שבטים שבטי י"ה כו'. שיש בחי' י"ב גבולי אלכסון בז"א דאצילות ונק' שבטי י"ה שנמשכים מאו"א [מאבא ואימא].

از آنجا که معلوم است درباره عبارت «آنجا اسباط بالا رفتند، اسباط ی"ה» و غیره، دوازده مرزِ موزب در صفاتِ عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) در عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) وجود دارد و آن‌ها «اسباط ی"ה» نامیده می‌شوند، زیرا از پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma) امتداد می‌یابند.

35 ולזאת סברו השבטים שלמטה ששרשן משם וא"כ הם במדרגה אחת עם יוסף שכולן שרשן מז"א

דאצילות וא"כ אין צריכים לו בשביל המשכת המ"ד [המ"ן דוכרין]

ازاین‌رو، قبایلِ فرودین چنین می‌پنداشتند که ریشه‌شان از همان‌جاست؛ و اگر چنین باشد، آنان هم‌مرتبه یوسف (יוסף) هستند، زیرا ریشه همه آنان از صفاتِ عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) در عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) است؛ و اگر چنین باشد، برای فرود آوردن آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) به او نیازی ندارند،

שהרי כמוהו כמוהם משרש א' מבחי' ז"א שמשם המשכת המ"ד [המ"ן דוכרין]. אבל טעו בזה כי אמת ששרשם מז"א כנ"ל אבל הם בעצמם למטה בבריאה.

زیرا او و آنان همانندند و از یک ریشه در صفاتِ عاطفی، که آب‌های مذکر از آن فرود می‌آید. اما در این نکته خطا کردند: درست است که ریشه‌شان از صفاتِ عاطفی است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، اما خود آنان در پایین، در عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah) هستند.

וכנ"ל בענין בחי' י"ב בקר שהים עומד עליהם מלמעלה הילכך הם רק המעלים מ"ן [מ"ן נוקבין] למלכות. و چنان‌که پیش‌تر درباره مرتبه دوازده گاو توضیح داده شد، که دریا از بالا بر آنها قرار دارد، ازاین‌رو آنان فقط بالابرنندگان آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) به فرمانروایی (מלכות, Malchus) هستند.

משא"כ יוסף שלמטה הוא עצמו מבחי' יסוד דאצילות ממש ולפיכך הוא דוקא הממשיך מ"ד [מ"ן דוכרין] והם צריכים לו כמו שכתוב והנה תסובינה אלומותיכם כו' כנ"ל:

اما یوسف، [حتی] در پایین، خود از مرتبه بنیاد (יסוד, Yesod) در عالمِ صدور است؛ ازاین‌رو، او به‌خصوص کسی است که آب‌های مذکر را فرود می‌آورد و آنان به او نیاز دارند، چنان‌که نوشته شده است: «و اینک، بافه‌های شما دور زدند»، و غیره، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/2/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک